اولین سالگرد روز مبارزه با استکبار جهانی پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه حال و هوایی متفاوت داشت

# نسل Z ضدآمریکایی‌تر از همیشه

۱۳ آبان ۱۴۰۴ در حالی برگزار شد که فضای سیاسی و امنیتی ایران و منطقه، با هیچ‌یک از سال‌های گذشته قابل مقایسه نبود. این نخستین سالگرد «روز ملی مبارزه با استکبار جهانی» پس از دفاع مقدس دوازده‌روزه مردم ایران در برابر جنگ افروزی مستقیم آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشورمان بود؛ جنگی که معادلات قدرت را در غرب آسیا به صورت بنیادین تغییر داد و مفهوم «مقاومت» را از یک شعار انقلابی، به واقعیت ژئوپلیتیکی جدید منطقه بدل کرد.

اگر در دهه‌های گذشته، ۱۳ آبان یادآور حافظه تاریخی ملت ایران در برابر کودتا، تحریم و تسخیر لانه جاسوسی بود، اکنون این روز به نمادی از قدرت‌افکنی جمهوری اسلامی در عصر بازدارندگی فعال تبدیل شده است؛ روزی که مردم ایران بار دیگر با حضور در خیابان‌ها، استقلال خود را به‌عنوان یک واقعیت استراتژیک در جهان چندقطبی نوظهور به رخ کشیدند؛ این اتفاق با میدان‌داری دهه هشتادی‌ها که دشمن تصور می‌کرد نسبت کمتری با آرمان‌های ایرانی و انقلابی دارد جلوه‌ای دیگر به خود گرفت.

### از حافظه تاریخی تا بازدارندگی فعال

۱۳ آبان از دل تاریخ تقابل ایران و آمریکا برآمده است؛ از کودتای ۲۸ مرداد تا تبعید امام خمینی در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ و سرانجام تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸. اما معنای امروزین این روز، بیش از هر زمان دیگر به سیاست خارجی واقع‌گرایانه و بازدارنده جمهوری اسلامی گره خورده است.

در واقع، جنگ ۱۲روزه اخیر نشان داد تقابل تهران و واشنگتن دیگر محدود به شعار یا پرونده هسته‌ای نیست، بلکه به سطحی از رویارویی راهبردی ارتقا یافته است؛ جایی که ایران، با تکیه بر توان نظامی و فناوری بومی، توانسته است دکترین بازدارندگی متقارن را تثبیت کند.

تحلیلگران معتقدند حضور گسترده مردم در مراسم امسال، بیش از آن‌که نشانه وفاداری به یک سنت سیاسی باشد، نوعی اعلام اعتماد عمومی به قدرت ملی ایران پس از عبور از آزمون جنگ است.

### نسل جدید، وارث حافظه مقاومت

یکی از وجوه متمایز ۱۳ آبان امسال، حضور چشمگیر نسل Z، دهه‌هشتادی‌ها و نودی‌ها در صفوف راهپیمایی بود؛ نسلی که نه انقلاب را دیده و نه جنگ تحمیلی ۸ساله را، اما در عصر رسانه، تحریم و جنگ شناختی، با واقعیت‌های استکبار جهانی از نزدیک مواجه است؛ به خصوص آن‌که این نسل به خوبی نظاره کرد که چگونه آمریکا با بدعهدی و خباثت مذاکره و میز گفت‌وگو را به ابزار فریب برای تجاوز به کشورمان تبدیل کرد.




**چرا لانه جاسوسی تسخیر شد؟**

۱. تجربه تاریخی از کودتای ۲۸ مرداد و مرکزیت سفارت در طراحی و هدایت کودتاها
۲. حضور شاه در آمریکا به بهانه درمان و عدم استرداد او به ایران توسط آمریکا
۳. تحرکات دیپلمات‌های آمریکایی و حضور عوامل سیا در پوشش کارمند سفارت
۴. بیزاری و تنفر مردم از آمریکا به دلیل وجود تجربه‌هایی چون کاپیتولاسیون و غارت منابع نفتی
۵. بیش از سه دهه سابقه آمریکا در حمایت از رژیم پهلوی
۶. مماشات دولت موقت با آمریکا و دیدار پنهانی بازرگان و یزدی با مشاور کارتر
۷. دعوت مستقیم امام خمینی (ره) به مبارزه با آمریکا و اسرائیل

آنها نسلی‌اند که همزمان هم در فضای جهانی زیست می‌کنند و هم در بستر تجربه ایرانی عزت و استقلال رشد یافته‌اند. برخلاف تصور رایج غربی‌ها، این نسل نه از ارزش‌های انقلابی فاصله گرفته و نه از مفهوم آمریکاستیزی گریز دارد؛ بلکه نگاهش به استکبارستیزی، تحلیلی‌تر و هوشمندانه‌تر است.

برای بسیاری از این جوانان، آمریکا دیگر فقط یک دولت متخاصم نیست، بلکه نماد نظم جهانی ناعادلانه‌ای است که تحریم، جنگ رسانه‌ای و مداخله در سرنوشت ملت‌ها را توجیه می‌کند. حضور گسترده آنان در خیابان نشانه‌ای از تداوم تاریخی یک باور ملی است؛ باوری که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده، اما اکنون با زبان و ادبیات جدید بیان می‌شود.

### تغییر موازنه در سطح منطقه‌ای

۱۳ آبان امسال در شرایطی برگزار شد که آمریکا پس از ناکامی در جنگ اخیر و نیز شکست پروژه فشار حداکثری، عملاً در موضع دفاعی و بازتعریف حضور در منطقه قرار گرفته است.

از سوی دیگر، حضور ایران در محورهای ژئوپلیتیکی جدید مانند «گروه بریکس» و گسترش روابط اقتصادی با شرق، نشان می‌دهد استقلال سیاسی و اقتصادی که در گفتمان ۱۳ آبان بر آن تأکید می‌شود، اکنون پشتوانه‌ای واقعی در سطح بین‌المللی یافته است. به همین دلیل، بسیاری از کارشناسان ۱۳آبان امسال را نه صرفا مراسمی نمادین، بلکه بیانی سیاسی از سوی ملت ایران در برابر نظام سلطه می‌دانند.

### واکنش به نظم آمریکایی، از خیابان تا سیاست

از منظری دیگر، ۱۳ آبان را می‌توان «روز ملی سیاست خارجی» جمهوری اسلامی نیز نامید؛ روزی که مردم به خیابان می‌آیند تا ترجمان اجتماعی سیاست کلان کشور در برابر سلطه غرب را به نمایش بگذارند.

امسال اما، این حضور با نوعی درک عمیق‌تر از مفهوم استقلال ملی همراه بود. اگر در گذشته، برای برخی مخالفت با آمریکا بیشتر رنگ ایدئولوژیک داشت، اکنون با توجه به تحولات منطقه‌ای، بسیاری از شرکت‌کنندگان از زاویه‌ای واقع‌گرایانه‌تر به آن می‌نگرند: مخالفت با آمریکایی که نه تنها حامی آزادی، بلکه عامل بی‌ثباتی در غرب آسیا و منبع اصلی تهدید علیه ایران و ملت‌های منطقه تلقی می‌شود. در همین راستا، یکی از محورهای مورد تأکید در سخنرانی‌های رسمی ۱۳ آبان، لزوم حفظ وحدت ملی در برابر جنگ شناختی و عملیات روانی دشمن بود؛ تأکیدی که ریشه در تجربه ماه‌های اخیر دارد، زمانی که آمریکا کوشید با روایت‌سازی رسانه‌ای، نتیجه جنگ را وارونه نشان دهد و از پیروزی نظامی ایران، یک بحران تبلیغاتی بسازد. ایران امروز در معادلات قدرت منطقه‌ای، به یک کنشگر تعیین‌کننده ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. از لبنان تا یمن و از عراق تا غزه، ایران نه‌تنها الهام‌بخش جریان‌های مقاومت است، بلکه در سطح راهبردی توانسته «نظم امنیتی بومی» را در برابر نظم آمریکایی پایه‌گذاری کند.

### ۱۳ آبان، سند بقا و بلوغ انقلاب

۱۳ آبان امسال، نه تکرار یک آیین سیاسی، بلکه بازتعریف گفتمان استکبارستیزی در دوره پساجنگ بود. مردمی که پس از جنگ، با اعتمادبه‌نفس به خیابان آمدند، نشان دادند جامعه ایرانی، درک تازه‌ای از استقلال دارد. در جهانی که آمریکا دیگر قادر به شکل‌دهی به نظم دلخواه خود نیست، ایران با اتکا به تجربه مقاومت، نسل جوان آگاه و توان بازدارندگی، در حال تبدیل شدن به یکی از قطب‌های شکل‌دهنده نظم جدید جهانی است و ۱۳ آبان، روزی است که این واقعیت نه در اسناد رسمی، بلکه در اراده مردم ـ از نسل انقلاب تا نسل Z ـ تکرار می‌شود.

---

**یادداشت**

جواد منصوری | تحلیلگر مسائل سیاسی

## راز شکست ناپذیری ملت ایران

هر حکومت و هر ملتی برای بقای خود، نیازمند شناخت عمیق تهدیدات، امکانات و فرصت‌های در اختیار خویش است. این اصل ثابت در تاریخ جوامع بشری نشان می‌دهد که تنها ملتی می‌تواند در برابر دشمنان خود ایستادگی کند که از استعدادها و ظرفیت‌های درونی‌اش برای مقابله آگاهانه استفاده کند. در مقابل، هر ملتی که در شناخت دشمن، ویژگی‌ها، برنامه‌ها و اهداف او کوتاهی کند، دیر یا زود مغلوب دشمنی می‌شود که با برنامه و تسلط آمده است. دولت‌ها برای ادامه فعالیت، پیشرفت و حفظ دستاوردهای خود، ناگزیر از همکاری، مبادله و کسب اطلاعات از یکدیگرند؛ مشروط بر آن‌که این همکاری بر پایه احترام متقابل به منافع، امنیت و تمامیت ارضی طرفین باشد. همچنان که در زندگی روزمره ما نیز روابط انسانی بر احترام متقابل استوار است، در عرصه روابط بین‌الملل نیز اصل بر همکاری بر مبنای منافع مشترک است اما در میان دولت‌ها، کشورهایی وجود دارند که به این اصول پایبند نیستند و از طریق اعمال زور، فریب و تضعیف دیگران درپی سلطه و منافع نامشروع خود هستند. از همین‌رو است که دشمن‌شناسی یکی از مهم‌ترین عوامل بقای هر ملت و دولت است. حضرت امام خمینی (ره) از آغاز نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۲، همواره بر شناخت دشمن و راه‌های مقابله با او تأکید داشتند. بدون تردید، یکی از مهم‌ترین دلایل بقای انقلاب اسلامی نیز همین آگاهی و هوشیاری ملت ایران است. با وجود فراز و نشیب‌ها، مردم ایران دشمن‌شناسی را از دست ندادند؛ به همین سبب است که حتی مقامات دولت‌های مستکبر نیز اعتراف می‌کنند که نمی‌توانند ملت ایران را شکست دهند. ملت ایران در طول ۴۵ سال گذشته، با شناخت دشمن و بهره‌گیری از امکانات و تجربیات خود، در برابر انواع توطئه‌ها و فشارها ایستاده است. امروز، دنیا به قدرت و ثبات ایران اذعان دارد؛ همان ملتی که دشمنانش در جنگ‌های اخیر منطقه، از جمله در «جنگ ۱۲ روزه»، برای آتش‌بس به التماس و خواهش متوسل شدند. جریان تاریخی ۱۳ آبان نیز حامل پیامی روشن است: چه در سال ۱۳۴۳ با تبعید حضرت امام (ره)، چه در سال ۱۳۵۷ با کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان و چه در سال ۱۳۵۸ با تسخیر لانه جاسوسی، پیام مشترک این رخدادها یک چیز است؛ آمریکا دوست و همراه ملت ایران نیست بلکه دشمنی دائمی دارد و خواهان سلطه است. چنان‌که رئیس وقت سازمان سیا تنها یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی اعتراف کرد: «ما ایران را ساخته بودیم تا برای همیشه در آن بمانیم اما نمی‌دانیم چگونه ما را از ایران بیرون کردند.» دشمنی آمریکا با ملت ایران نه ناشی از یک سیاست زودگذر بلکه برخاسته از ماهیت سلطه‌طلب اوست. آمریکا سلطه بر ایران را شرط سلطه بر منطقه و منابع آن می‌داند و می‌خواهد به سایر ملت‌ها نشان دهد که اگر در برابرش بایستند، همان بلایی را که می‌خواست بر سر ملت ایران آورد، بر آنان نیز نازل می‌کند. بیانات اخیر مقام معظم رهبری در این باره، بسیار دقیق و واقع‌بینانه است؛ ایشان فرمودند که میان ایران و آمریکا تضادی آشتی‌ناپذیر وجود دارد. این تضاد نه‌تنها سیاسی بلکه برخاسته از تفاوت عمیق در عقیده، هویت و منافع است. تجربه یک قرن گذشته نشان می‌دهد که غرب و در رأس آن آمریکا، هرگز از سلطه بر ایران منصرف نشده و نخواهد شد. رفتار غرب در تمام دوره‌های تاریخی - پیش از پهلوی و پس از آن، تا سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد - سرشار از خیانت به ملت ایران بوده است. در همین زمینه، خاطره‌ای شخصی نیز گویای این واقعیت است.

در یکی از مذاکرات رسمی با یکی از مقامات بلندپایه اروپایی، پس از بحثی طولانی، او صریحا به شخص نگارنده گفت: «ما نمی‌توانیم روابط عادی با شما داشته باشیم؛ زیرا آنچه دنیا از فرهنگ و تمدن دارد از ماست، و آنچه بدبختی دارد از اسلام شماست.» این جمله به‌روشنی نشان می‌دهد که غرب هنوز آمادگی پذیرش یک رابطه انسانی و برابر با ایران اسلامی را ندارد. بر همین اساس، آگاهی، دشمن‌شناسی و استقامت ملت ایران سه رکن اصلی بقای انقلاب اسلامی بوده و هست. امروز نیز همان‌گونه که دیروز، ملت ایران با تکیه بر تجربه، ایمان و هویت خود، در برابر سلطه‌طلبی قدرت‌های غربی ایستاده است - و این ایستادگی، رمز ماندگاری و پیشرفت آن در جهان معاصر است.

---

**یادداشت**

احسان آذرکمند | تحلیلگر مسائل سیاسی

## مفهوم «مرگ بر آمریکا»

بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره این‌که «جوان ما در این روزگار پُرمسأله آن وقتی می‌تواند به معنای واقعی کلمه «مرگ بر آمریکا» بگوید که از لحاظ درونی و دینی قوی باشد»، صرفا یک توصیه اخلاقی یا دینی نیست؛ بلکه بازخوانی یک معادله تمدنی و گفتمان‌ساز در فضای نبرد نرم جهانی است. در این جمله، سه محور بنیادین نهفته است: تحلیل وضعیت جهانی و «روزگار پرمسأله»؛ تعریف ماهیت مقاومت در سطح تمدنی؛ تأکید بر نیروی درونی ایمان به‌عنوان پیش‌شرط مقاومت مؤثر.

این بیان در بستر تاریخی‌ای مطرح می‌شود که جهان با هژمونی فرهنگی و رسانه‌ای آمریکا مواجه است؛ سلطه‌ای که نه فقط نظامی یا اقتصادی بلکه ذهنی و ادراکی است. شعار «مرگ بر آمریکا» در گفتمان انقلاب اسلامی، نماد مقابله با این سلطه است اما رهبر انقلاب در این جمله نشان می‌دهند که صرف گفتن این شعار، اگر ریشه در ایمان و ارتباط با خدا نداشته باشد، به پوسته‌ای سیاسی و شعاری تقلیل می‌یابد. درواقع، معظم‌له در برابر پدیده‌ای قرار دارند که می‌توان آن را «شعارزدگی انقلابی» نامید: ظاهر شعار حفظ شده اما محتوای درونی که همان قدرت روحی و اتصال الهی است، تهی می‌شود.

عبارت «روزگار پُرمسأله» اشاره به دوره‌ای دارد که در آن، جوان ایرانی در معرض بحران‌های متعددی است: بحران معنا در جهان مدرن، تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای، فشار اقتصادی و روانی، تضعیف هویت جمعی و ملی و گسترش نسبی‌گرایی اخلاقی. در چنین شرایطی، رهبر معظم انقلاب هشدار می‌دهند که شعار مقاومت، اگر صرفا سیاسی و عاطفی باشد، در برابر این حجم از هجمه، دوام نمی‌آورد. بنابراین «پُرمسأله بودن روزگار» ناظر بر چالشی تمدنی است، نه صرفا سیاسی یا اجتماعی.

بخش کلیدی این تحلیل، در نسبت میان ایمان با مقاومت نهفته است. رهبر انقلاب می‌فرمایند: «آن جوانی می‌تواند در مقابل سطوت و تشر فرعون‌های زمان بایستد که دلش با خدا باشد» در اینجا «فرعون‌های زمان» استعاره‌ای از قدرت‌های مادی، سلطه‌گر و خودبنیاد است. در منطق قرآنی، فرعون کسی است که «يُرِيدُ أَن يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ»؛ یعنی قدرتش را ابزار استکبار می‌کند. در این نگاه، مقاومت بدون پشتوانه توحیدی، شبیه ساختاری است که در ظاهر ایستاده ولی از درون فروپاشیده است. بنابراین، «دل با خدا بودن» یعنی قرار دادن ایمان در جایگاه زیرساخت قدرت ملی و فردی. از منظر گفتمانی، «مرگ بر آمریکا»، نه یک شعار احساسی بلکه یک بیان هویتی و تمدنی است. یعنی مرگ بر نظام سلطه، بر منطق استکبار، و بر تمدنی که خود را معیار انسانیت می‌پندارد. رهبر معظم انقلاب با افزودن قید «به معنای واقعی کلمه» می‌خواهند مرز میان «شعار سیاسی» و «ایمان تمدنی» را مشخص کنند. «مرگ بر آمریکا»، برای فردی که دلش با خداست، نه نفرت شخصی بلکه بیان عشق به عدالت الهی و آزادی انسانی است.

تأکید بر «جوان ما» از ویژگی‌های مکرر در گفتمان رهبری معظم انقلاب است. جوان در این منظومه، صرفا یک نیروی اجرایی نیست؛ بلکه سوژه تمدن‌ساز است. در این بیان، جوان ایرانی باید ترکیبی از «دینداری، آگاهی و مسئولیت اجتماعی» باشد. در نگاه رهبر معظم انقلاب، اگر ایمان و اتکا به خدا در جوانان نهادینه شود، آن‌گاه پیشرفت در «امر دنیا، اداره کشور و مقابله با دشمن» نیز حاصل می‌شود؛ یعنی ایمان نه عامل انزوا بلکه موتور پیشرفت ملی است.

از نظر معرفتی، این جمله بر پایه چند اصل قرآنی استوار است: إِن تَنصُرُوا اللَّهَ ينصُرْكُمْ وَيثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد/۷): پیروزی مشروط به یاری خداست. إِنَّهُ لَيسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يتَوَكلُونَ*(نحل/۹۹): شیطان بر اهل ایمان تسلط ندارد. در منطق این آیات، قدرت حقیقی از ایمان سرچشمه می‌گیرد و نه از ابزار نظامی یا سیاسی؛ همان چیزی که رهبر انقلاب در قالب بیانی ساده و قابل درک برای جوانان بازگو می‌کنند. **/متن کامل یادداشت را در «جام جم آنلاین» بخوانید.**

متن کامل

---

**یادداشت**

محمدرضا باهنر | تحلیلگر مسائل سیاسی

## کینه شتری آمریکا علیه ایران

وقتی به تاریخ می‌نگریم، می‌بینیم که دشمنی و کینه آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی و ایران قوی از دیرباز آغاز شده است؛ از کودتای ۲۸ مرداد گرفته تا پیش از آن. اگر جوانان امروز به نقشه ایران در دوران سلطه شاه و حمایت انگلیس و آمریکا بنگرند، درخواهند یافت که در دوران پهلوی نیز مانند دوران قجر، هر زمان ایران درگیر مسائل سیاسی یا نظامی با همسایگانش می‌شد، تکه‌ای از خاک کشور جدا می‌گردید. امروز نیز در آمریکا، دو گروه در قدرت حضور دارند: گروهی که ایران پاشیده و تجزیه‌شده را می‌خواهند، و گروهی که ایران یکپارچه اما زیر سلطه خود را ترجیح می‌دهند؛ همان‌گونه که ترامپ، عربستان را به «گاو شیرده» تشبیه کرده بود، آنان نیز در پی ایرانی مطیع ووابسته هستند و به چیزی کمتر از این رضایت نمی‌دهند. اما یقین داریم که با حضور مردم در صحنه، نیروهای مسلح قدرتمند، دانشمندان جوان و پویا، و رهبری داهیانه مقام معظم رهبری، هرگز خواب‌های آشفته دشمنان تعبیر نخواهد شد. در مسیر مواجهه با این توهم آمریکایی جوانان و دانشمندان ما، قطعا قوی‌تر و مقتدرتر از گذشته شبانه‌روز در پی کارهای نو، فناوری‌های نو و حرکت‌های نو هستند. دشمنان در اشکال گوناگون، از جنگ نظامی تا جنگ رسانه‌ای و جنگ ترکیبی، همواره علیه ملت ایران فعالیت کرده‌اند. همان‌گونه که مقام معظم رهبری تاکید فرموده‌اند، امروز جنگ شناختی در جریان است و دشمن می‌کوشد هویت ایرانی و اسلامی ملت ایران را زیر سؤال ببرد. اما به لطف خداوند، مردم و جوانان ایران نشان داده‌اند که تسلیم نمی‌شوند. دانشمندان ایران در حوزه مختلف از جمله هسته‌ای، فناوری‌های نو، و سلول‌های بنیادی... با ایمان و پشتکار، مسیر پیشرفت را ادامه می‌دهند و کار را به جلو می‌برند و در این مسیر نه‌تنها کندی یا توقفی مشاهده نمی‌شود؛ بلکه هر روز با قدرت و اراده بیشتر تحولات بزرگ‌تری را رقم خواهد زد. نگاهی به عراق و افغانستان نشان می‌دهد که نقشه نهایی دشمنان از ابتدا، هدف قرار دادن ایران بوده اما بحمدالله، با وجود صرف چند تریلیون دلار در طول چند دهه گذشته، خودشان امروز معترفند که در تحقق این نقشه‌ها ناکام مانده‌اند. این مسیر نوید بخش روزی نه چندان دور است که ایرانیان جشن محورژیم صهیونیستی را خواهند گرفت؛ رژیمی که آخرین نماد آپارتاید سخت در جهان است. همچنین نشانه‌های افول آمریکا نیز به روشنی نمایان است؛ اختلافات داخلی، بحران‌های سیاسی و اجتماعی و گرفتاری‌های متعدد، همه خبر از فروپاشی تدریجی آن دارند. در مقابل، ملت با بصیرت ایران با استقامت و ذیل رهبری آیت الله خامنه‌ای به لطف الهی مقتدرانه در مسیر تحویل دادن این نظام مقدس به دست صاحب اصلی‌اش هستند.

---

**یادداشت**

روح‌الله احمدزاده کرمانی | استاد دانشگاه

## ذات پادتمدنی آمریکا

۱. در آستانه سیزدهم آبان‌ماه، رهبر معظم انقلاب در جمع دانش‌آموزان و دانشجویان، رخداد تسخیر لانه جاسوسی آمریکا را از دو زاویه تاریخی و هویتی مورد تحلیل قرار دادند. تحقیقا درک درست تاریخی از واقعه تسخیر سفارت آمریکا در حافظه ملی، سبب فهم جنبه مهم‌تر واقعه ۱۳ آبان یعنی جنبه هویتی آن خواهد شد. اما تسخیر سفارت آمریکا به تعبیر رهبر حکیم انقلاب اولا بازنمایی دقیق از هویت و ذات ایالات متحده آمریکا بود و در جهت دیگر روشن‌شدن هویت واقعی و ذاتی نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی بود. ملاحظه بسیار مهم در بیانات رهبری انقلاب «ناسازگاری ذات استکباری آمریکا با ذات استقلال‌طلبی انقلاب» است که نشان می‌دهد، رهبری مواجهه ما با آمریکا را فراتر از یک اختلاف سیاسی و مواجهه بین‌المللی، یک تفاوت ماهوی و هویتی و مواجهه تمدنی تحلیل می‌کنند.

۲. نگارنده طی مراجعات متعدد به آرا و اندیشه‌های حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای از گذشته تاکنون دریافته که در دستگاه نظری ایشان مختصات تئوریک رهبری در تبیین قدرت هژمون آمریکا بر پایه تحلیل ایالات متحده بر بنیاد نگاهی پادتمدنی است. در اندیشه ایشان جوهره اصلی استعمار آمریکایی، تضعیف استقلال ملی ملت‌های جهان، تضعیف هویت‌های تاریخی و تمدنی و افزایش فشار بر دولت‌ها در جهت تشدید وابستگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به آمریکاست و از مسیر تحریم‌های اقتصادی، حمله نظامی، اعمال هژمونی و هجوم فرهنگی و رسانه‌ای، آمریکایی‌ها تلاش کرده‌اند تا بر ملت‌ها مسلط شوند.

۳. متأثر از اندیشه رهبری در مواجهه تمدنی با آمریکا و غرب می‌توان از مفهوم پادتمدن بهره‌جست. جان زرزان در کتاب «بر ضدتمدن» معتقد است تمدن غرب سلبی است نه ایجابی و لذا در توسعه صنعتی و اقتصادی، محیط‌زیست را تخریب و اکوسیستم طبیعت جهان را ویران کرده است یا در توسعه دموکراسی، انبوهی نسل‌کشی و کشتار جمعی را رقم زده است. به قول مالک بن‌نبی، غرب و ایالات متحده در مسیر قابلیت استعمارزایی (Colonizability) در جهان عمل می‌کنند و آن‌قدر ملت‌ها را ضعیف نگه می‌دارد تا وابستگی آنها به استعمار امتداد یابد. او رژیم صهیونیستی را ابزار پادتمدن غرب در مسیر تحقق دیستوپیا (ویران‌شهری) می‌داند و معتقد است که فلسطین صحنه باخت جغرافیای اسلامی ـ عربی نیست، که عرصه باخت تمدنی، فرهنگی و هویتی غرب است.

۴. هانتینگتون در کتاب «جنگ تمدن‌ها»، تاریخ تمدن را در غیبت و حذف تمدن ۵۴ قرن ایران بازنویسی کرد و آمریکای ۲۵۰ ساله را به‌عنوان تمدن در کتاب خود برجسته کرد، و در تقسیم‌بندی هشت‌گانه از تمدن‌ها، چین و هند را به‌عنوان تمدن شرق معرفی و ایران را از صحنه تمدنی جهان حذف کرده است. کشوری که از زمان اعلام استقلال تاکنون طی ۲۵۰ سال ۲۰ جنگ جهانی و منطقه‌ای را رهبری کرده یا در آنها مشارکت داشته، اکنون هم که از تمدن سخن می‌گوید، از جنگ تمدن‌ها حرف می‌زند، نه از تعامل و تعاطی تمدن‌ها. و برای از بین بردن خاطره خشونت همه جنگ‌ها و نسل‌کشی‌ها، یک ماشین فرهنگی استعماری هم اختراع کرده است تا به قول ادوارد سعید، واقعیت‌ها را آن‌گونه که با اهداف استعماری جور درمی‌آید، بازنمایی کند و لذا شرق‌شناسی این جماعت استعمارگر، یک فریب تاریخی بزرگ است برای انحراف ذهن ملت‌ها از کشتار بومیان آمریکا و آفریقا و آواره‌کردن ملت‌های جهان از سرزمین‌های‌شان با بازنویسی‌های تحریف‌شده تاریخی.

۵. از منظر اندیشه امام خامنه‌ای می‌توان یک تقسیم‌بندی جدید بر پایه عناصر تاریخی و هویتی ارائه داد:

الف ـ تمدن که در مسیر آرمان‌شهری (یوتوپیا) حرکت می‌کند و یخرجونهم من الظلمات الی النور است.

ب ـ پادتمدن که در مسیر ویران‌شهری حرکت می‌کند و یخرجونهم من النور الی الظلمات است. لذا هستی‌شناسی پادتمدن آمریکا مبتنی است بر عدم هویت تاریخی امتداد یافته و فقدان مفهوم ملیت تاریخی (ارتباط آن با سرزمین گسسته است) و فقدان هویت یکپارچه و منسجم اجتماعی ـ فرهنگی و اساسا امر ملی یعنی امر منسجم. این هستی‌شناسی پادتمدن آمریکایی، درک بهتری از روش‌شناسی‌های استعماری و چهره‌های نوبه‌نوی استعمار آمریکایی پیش روی ما قرار می‌دهد. در این گفتار تمدنی ـ پادتمدنی است که می‌توانیم فهم کنیم که چرا رهبر فرزانه انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «اختلاف جمهوری اسلامی ایران و آمریکا ذاتی است و نه تاکتیکی».